

بررسی شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر آموزش عالی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۱۴

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۰/۲۰

بتول اخوی راد *

چکیده:

آموزش عالی یکی از اجزای اساسی توسعه علمی، فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. این نهاد از طریق دانشگاه‌ها آمیزه‌ای از آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی ارائه می‌نماید. کارکرد آنها را می‌توان در مقوله‌های اساسی مانند شیوه عمل، برنامه ریزی درسی، شیوه برنامه ریزی آموزشی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه دانست. این نهاد باید نیروهایی تربیت کند که بتوانند کیفیت زندگی خودشان و زندگی دیگران بهبود بخشند. در این مسیر صاحب نظران آموزش عالی هم اکنون بر مدیریت دانش تأکید داشته و لزوم یکپارچگی دانش ضمنی و دانش صریح بیان می‌دارند و هم چنین در فرایند تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح، تأکید بر بهره‌گیری مستمر از شیوه‌های علمی و پژوهشی در بومی‌سازی حوزه‌های دانش دارند. دانش ضمنی که در حیطه دانش شخصی و تجربی انسان تعریف می‌شود، با فرهنگ و اخلاق رابطه تنگاتنگ دارد. نسل‌های انسانی، مجموعه پیچیده‌ی شکل گرفته از تجارب گرانبهای خود، اشکال زندگی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به همراه ابزارها و تأثیر اختراعات به یکدیگر انتقال می‌دهند. فرهنگ، پوشش دهنده این مجموعه و عنصر ضروری و نیروی درونی جامعه به شمار می‌آید. در ضمن، فرهنگ که از ساختار جامعه نشأت می‌گیرد پیوسته با اخلاق مقایسه می‌شود. علوم انسانی بستر مناسب جایگاه فرهنگ و اخلاق است. این علوم با امتیاز ۵۵ درصد اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها (باقریان، ۱۳۸۳) و حجم زیاد دانشجویان و تنوع رشته‌های دانشگاهی بیشترین نقش را می‌تواند در تأمین برنامه ریزی مناسب برای توسعه علمی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشد.

واژگان کلیدی: بومی‌سازی، دانش ضمنی، فرهنگ، علوم انسانی.

یونسکو نیز فرهنگ را این چنین تعریف می‌کند: "فرهنگ عبارت است از: مجموعه کاملی از مشخصه‌های ممیزه روحی، مادی، فکری و عاطفی که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌نماید و نه تنها هنرها؛ بلکه شامل اشکال زندگی، حقوق اساسی انسان‌ها، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها، اعتقادات و مسائل ارزشی و بومی هر منطقه می‌شود."

با این تعاریف، فرهنگ در برگیرنده ارزش‌های زیر بنایی جامعه است و نه تنها برای توسعه بعد فرعی نخواهد بود، بلکه عنصر ضروری جامعه هست. برداشت مجزا در تعریف فرهنگ و توسعه برداشت نادرستی است. هر جامعه‌ای برای رسیدن به توسعه در هر یک از ساختارها نیاز به توجه به ارزش‌های زیر بنایی یعنی فرهنگ و اخلاق که ارزش‌های بومی را پوشش می‌دهد، خواهد بود.

اهمیت و ضرورت

علوم انسانی از شاخه‌های اصلی رشته‌های آموزشی و پژوهشی آموزش عالی محسوب می‌شود. این علوم با رشته‌ها و گرایش‌های متنوع، پوشش دهنده ارزش‌های دینی، بومی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی جوامع است، جوامعی که از گروه‌ها، قبایل و قوم‌های نژادی متفاوت شکل می‌گیرند. این شاخه علاوه بر این که بیشترین حجم اعضای هیأت علمی را داراست [با اختصاص ۵۵ درصد بر اساس آمار باقریان (۱۳۸۳)] بیشترین دانشجویان آموزش عالی را نیز دارد (باقریان، ۱۳۸۳).

آموزش عالی وظیفه تولید و توزیع دانش دارد. از دیدگاه اقتصاد دانان، آموزش عالی یک بنگاه خدماتی در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که می‌بایست خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی ارائه دهد. زنجیره تولید آن شامل تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان خواهد بود. این نهاد، توسعه علمی را عهده دارد. آموزش به امر توزیع علم می‌پردازد و پژوهش تولید دانش بر عهده دارد. در این جایگاه دانشجو به عنوان عضوی از جامعه هم در تولید علم سهیم است و هم مصرف‌کننده دانش. او باید در مورد نیازهای جامعه پاسخ گو باشد و به خواسته‌ها، تمایلات، نیازهای فرهنگی، اخلاقی و نیازهای بومی او برای حل معضلات

توسعه علمی بر عهده آموزش عالی است و توسعه‌ای که در جامعه بر اساس ساختارهای متفاوتی مورد توجه مسئولان جامعه قرار می‌گیرد؛ توسعه سیاسی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی می‌باشد. توسعه به معنای تغییر کیفیت از وضعیت نامطلوب به مطلوب است. پس لزوماً پیشرفت یا تغییر مثبت نشان دهنده این است که علم را کوششی برای کشف رابطه علت و معلولی در پدیده‌ها در نظر می‌گیرند.

برای توسعه، آرا و نظریه‌های گوناگونی وجود دارد و هر یک از نظریه پردازان به یک جنبه ساختاری آن نگریسته‌اند که در همه تعاریف بهبود کیفیت زندگی در ابعاد مادی و معنوی مورد توجه است و این امر یک پوشش همه جانبه اجتماعی می‌طلبد. تمامی نهادها، مؤسسات دولتی و غیر دولتی و مردم از هر گروه سنی و اجتماعی و از هر نژاد و قومی این پوشش را انجام می‌دهند.

مطالعه کشورهای جهان از یک سو و علاقه به پیشرفت کشورها از سوی دیگر، تعامل همه جانبه دولت و مردم برای دستیابی به توسعه را نشان می‌دهد. بدین ترتیب هماهنگی انواع توسعه اقتصادی - اجتماعی با توسعه علمی، فرهنگی و اخلاقی با هم دیده می‌شود؛ برای مثال در کشورهای پیشرفته‌ای چون آلمان و ژاپن بعد از جنگ دوم جهانی، توسعه علم و فن آوری به موازات توسعه اقتصادی و فرهنگی به وقوع پیوسته است. این امر چگونه ممکن شده است؟

بومی‌سازی، به عنوان متغیر دیگر این بررسی، ارزش‌های زیر بنایی جامعه را پوشش می‌دهد و رابطه مستقیم با فرهنگ و اخلاق فردی و اجتماعی دارد.

ویلیامز، در مورد فرهنگ می‌گوید: "فرهنگ هر جامعه در پرتو زندگی اجتماعی و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر و تجارب گرانبهای نسل‌های متعدد انسانی به صورت مجموعه پیچیده‌ای شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. هر نسل جدید با پیچیده کردن آن با افزودن و کاستن، دخل و تصرف، با عمده کردن برخی جنبه‌ها و بی‌اهمیت کردن جنبه‌های دیگر و در پرتو تأثیر پذیری از اختراعات و ابزارهای جدید آن را راورتر می‌کند و به نسل جدید می‌سپارد" (Williams, ۱۹۶۳).

در این جهت مناسب است که کتب علوم اجتماعی و ادبیات رشته علوم انسانی را از سال ۷۳ تا ۸۷ نگاه کنیم.

پرسش‌های مورد بررسی

۱. آیا توسعه علمی امکان پذیر است؟ کشورهای جهان سوم برای جواب گویی به این پرسش تلاش بیشتری انجام می‌دهند؛ زیرا این کشورها با دشواری‌های زیاد در تولید علم مواجه هستند و از سوی دیگر علم و فن آوری باید با تمهیدات گسترده متفاوت از کشورهای پیشرفته وارد فرهنگ شود. سپس این پرسش‌ها قابل طرح است:
۲. برای دستیابی به توسعه علمی از چه راهکارهایی باید استفاده کرد؟
۳. آیا تأثیرات بومی‌سازی در تأمین متخصصان مورد نیاز جوامع مفید است؟
۴. آیا بومی‌سازی علوم انسانی شامل متخصصان و دانشجویان و کتاب‌ها به توسعه علمی می‌انجامد؟ و بالاخره
۵. آیا بومی‌سازی رشته‌های علوم انسانی در ارزش‌های زیر

جامعه پیرامون توجه کند؛ چرا که کار او تولید آموزش است و متخصص بازار کار می‌شود. در این میان جذب فارغ التحصیلان متخصص علوم انسانی دانشگاه‌های استان هرمزگان و خوزستان با ساختار قومیت‌های بومی متفاوت برای استان خراسان جای بحث و تعمق دارد.

آموزش عالی آمیزه‌ای از آموزش، پرورش و خدمات اجتماعی ارائه می‌نماید و اعضای پیکره آن یعنی؛ دانشجویان و اعضای هیأت علمی سر و کار بیشتری با دانش و اطلاعات دارند و قادرند با تفکر خلاق، مسائل جامعه خود را بررسی، طراحی و سازماندهی مجدد کنند. این نهاد صرفاً به مسائل مادی توجه ندارد و باید به ارزش‌های زیر بنایی در حوزه فرهنگ بومی و عرصه جهانی بپردازد.

تا اینجا توسعه علمی همانند توسعه اقتصادی امری شدنی ولی پیچیده تر و بلند مرتبه تر است. اگر توسعه علمی - که متولی آن آموزش عالی است و باید نیاز جامعه به لحاظ تربیت متخصصان را بر آورده سازد - با مدیریت علم در نظر گرفته شود، پس باید آموزش عالی اداره کردن علم بر عهده داشته باشد تا به توسعه آن برسد. بر این اساس، اظهار نگرانی و دغدغه مسئولان نسبت به توسعه علمی بدون عنایت به بومی‌سازی پسندیده است.

گزارش آماری انتشار کتب ادبیات از سایت کتاب ماه

جمع	ترجمه	تألیف	گزارش آماری
۲۱۴۷	۵۲۸	۲۰۹	سال ۷۳
۲۳۳۴	۵۴۴	۱۷۹۰	سال ۷۴
۲۶۷۷	۴۵۳	۲۲۲۴	سال ۷۵
۳۲۴۷	۷۷۲	۲۴۷۵	سال ۷۶
۳۷۰۸	۹۵۹	۲۷۴۹	سال ۷۷
۴۳۰۱	۸۳۹	۳۴۶۲	سال ۷۸
۴۹۲۱	۷۵۳	۴۱۶۸	سال ۷۹
۶۴۱۹	۱۱۱۳	۵۳۰۶	سال ۸۰
۷۲۷۹	۱۶۹۰	۵۵۸۹	سال ۸۱
۷۳۶۰	۱۷۲۷	۵۶۳۳	سال ۸۲
۷۶۱۷	۱۸۹۳	۵۷۲۴	سال ۸۳
۹۱۹۶	۲۲۴۴	۶۹۵۲	سال ۸۴
۸۸۶۷	۱۹۲۳	۶۹۴۴	سال ۸۵
۹۹۹۹	۲۲۸۰	۷۷۱۹	سال ۸۶
۶۵۸۲	۱۵۹۵	۴۹۸۷	سال ۸۷

گزارش آماری انتشار کتب علوم اجتماعی از سایت کتاب ماه

جمع	ترجمه	تألیف	گزارش آماری
۹۷۷	۲۶۸	۷۰۹	سال ۷۳
۱۰۶۶	۲۴۴	۸۲۲	سال ۷۴
۱۱۹۶	۱۹۵	۱۰۰۱	سال ۷۵
۱۲۷۱	۳۳۳	۱۱۳۸	سال ۷۶
۱۶۲۶	۳۹۲	۱۲۳۴	سال ۷۷
۲۰۱۳	۳۵۴	۱۶۵۹	سال ۷۸
۲۵۳۲	۳۵۵	۲۱۷۷	سال ۷۹
۳۶۲۶	۶۵۴	۲۹۷۲	سال ۸۰
۴۰۶۳	۸۷۷	۳۱۸۶	سال ۸۱
۴۴۸۱	۹۵۱	۳۵۳۰	سال ۸۲
۴۷۵۰	۹۹۱	۳۵۳۵	سال ۸۳
۶۷۶۶	۱۳۰۳	۵۴۶۳	سال ۸۴
۶۶۵۹	۱۰۱۶	۵۶۷۹	سال ۸۵
۷۴۳۵	۱۱۲۸	۶۳۰۷	سال ۸۶
۴۶۱۴	۸۱۷	۳۷۹۷	سال ۸۷

غیره است و فرهنگ معنوی به مجموع رسوم، عقاید، علوم و معارف، ارزش ها، اخلاق، اندیشه، فلسفه، حقوق و سایر مفاهیم انتزاعی اطلاق می‌شود. بحث فرهنگی (فرهنگ معنوی) بدون پرداختن به اخلاق، بحثی ناقص است. فرهنگ جنبه جمعی دارد و اخلاق جنبه فردی و این دو ارتباط مستقیم و نزدیکی با هم دارند.

هویت فرهنگی انقلاب اسلامی نیز مقوله فرهنگ را یکی از اجزای زیر بنایی قرار می‌دهد و پرداختن به آن را برای تمامی نهادهای جامعه بخصوص دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی وابسته، در امر پژوهش و آموزش در نظر می‌گیرد و آن را به منزله بزرگترین مرکز فرهنگ سازی در کشور می‌داند. لذا، توسعه علمی و فرهنگی هر جامعه ای نیازمند حرکت این نهادها در مسیر فرهنگ ملی و بومی است. چنین نهادی، کانون اصلی اندیشه‌ورزی و تشخیص دهنده و تعیین کننده مقتضیات ملی، منطقه ای و جهانی و تدوین کننده راهبردهای علمی و فرهنگی در جامعه و همراه ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی است.

حال با توجه به این مسئولیت‌ها در دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی آموزش عالی راهکارهای زیر تا به حال، در سیاست های راهبردی این نهاد مد نظر بوده است:

الف- استقلال علمی دانشگاه ها و تمرکز زدایی (اخویراد: ۱۳۸۵)
آموزش عالی یک سیستم باز است و از وظایف مهم نظام آموزش عالی کشف، حفظ، تکامل، انتقال و به کارگیری دانش است. این نظام برای حیات و پویایی باید پیوسته با تحولات محیط تغییر کند. در این تغییرها، الگوها باید مناسب با محیط داخلی و بین المللی باشد. لذا، برای ارتقای کیفیت آموزش عالی به تمام دانشگاه ها آیین نامه تمرکز زدایی و استقلال علمی ابلاغ شد. این آیین نامه اهداف زیر را مدنظر داشت:

۱. انطباق هر چه بیشتر برنامه های درسی با نیازهای جامعه
۲. نهادینه کردن برنامه ریزی درسی در دانشگاه ها
۳. روزآمد شدن برنامه ها با توجه به تحولات دانش بشری
۴. تناسب بیشتر برنامه های درسی با امکانات و توانایی های دانشگاه ها.

و بر اساس ماده ۹ این آیین نامه دانشگاه در طراحی، ارزیابی و تصویب برنامه های درسی، معیارهای زیر باید مد نظر قرار دهد:

بنایی جامعه برای نوآوری فرهنگی مؤثر خواهد بود؟
توسعه علمی به صورت مجرد شکل نمی‌گیرد، زمانی میسر است که میان آموخته ها و رفتار اجتماعی پیوند برقرار شود. هم اکنون در نظام آموزش عالی ضعف نظریه پردازی در حوزه علوم انسانی کاملاً مشهود است. تعمق در برنامه ریزی درسی، کتب و مقالات پیوسته از نظریه های جوامع گوناگون حکایت می‌کند. این در حالی است که پدیده های انسانی و رفتاری به خاطر تأثیرات متقابل پیچیده ای که بین انسان و فرهنگ وجود دارد می‌بایست در بطن هر جامعه و با فرهنگ خاص آن با عنایت به شرایط بومی و نژادی هر اقلیم مورد مطالعه قرار گیرد. رشته های علوم انسانی به خصوص در حیطه های جامعه شناسی، روان شناسی، مردم شناسی و تعلیم و تربیت عمدتاً برخاسته از فلسفه، مفاهیم و نظریات پژوهشگران غربی و شرقی است؛ لذا تلاش زیادی لازم است تا میزان تناسب و کارآمدی آنها با فرهنگ ایرانی و اسلامی جامعه تعیین شود. ایده آل آن است که این مفاهیم و نظریه های علوم انسانی و رفتاری که محور فعالیت های تربیتی و اجتماعی است مبتنی بر مفاهیم حاصل از پژوهش های بومی پژوهشگران ایرانی باشد.

بحث

هم چنانکه پیش از این آمد، رابطه مستقیم با ارزش های بومی زیر بنایی فرهنگ و اخلاق دارد. فرهنگ به موازات توسعه و در فرآیند پویا و رابطه دو جانبه آن (تأثیر بر یکدیگر) حرکت می‌کند. برنامه درسی دانش آموختگان این رشته و شیوه زندگی مردم یک جامعه در پاسخ گویی به نیازهای آنان تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، الگوهای اندیشه و رفتار، ارزش ها، اعتقادات، شیوه نگرش به فعالیت های اقتصادی دگرگون می‌کند. برطبق نظر گیبون^۱، فرهنگ واجد ویژگی های اکتسابی بودن، انتقال پذیری، قابلیت اشاعه و نظم بخشیدن به رفتار است. این فرهنگ با چنین ویژگی هایی موجب انسجام جامعه می‌شود و به طور مستمر در حال تغییر و تحول و توسعه است (Gibbon, ۱۹۹۸).

فرهنگ دو شکل دارد: مادی و معنوی. فرهنگ مادی دارای وجه خارجی و قابل لمس مانند دستاورد های فن آورانه، صنعت و

- ۱-۱ انطباق با ارزش ها، هدف ها و راهبردهای کلی کشور
 ۲-۱ پاسخ گویی به نیازهای جامعه
 ۳-۱ هماهنگی با تحولات علمی روز
 ۴-۱ گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش
 ۵-۱ ایجاد روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانش آموختگان
 ۶-۱ ایجاد قابلیت و مهارت های لازم برای ورود به جامعه و بازار کار^۱.
- ب- مطالعه تطبیقی
 مطالعه تطبیقی برنامه های توسعه علمی کشور با سایر کشورهای پیشرفته به استخراج راهکارهای اصلاح و برون سازی می انجامد. این بررسی سه جنبه پوشش می دهد:
۱. برنامه ریزی درسی
 ۲. کتاب (شامل تالیف، تدوین و ترجمه)
 ۳. مقاله در مجلات علمی- پژوهشی، عملی - ترویجی.
- * در بررسی برنامه ریزی درسی، برنامه های آموزشی پایه دوم ابتدایی ایران و فرانسه ملاحظه می شود. یکی از تفاوت های عمده در شیوه نگرش در دو کشور معطوف به ارزیابی از سطح توانایی های عمومی تا سطح توانایی های شخصی است. با توجه به گستردگی مواد درسی دانشگاهی، ساختار مواد درسی را مقایسه می کنیم.
- در سیستم آموزشی ایران، مواد آموزشی که تدریس می شوند عبارتند از: ریاضی، علوم، نقاشی و کاردستی، املاء، تعلیمات دینی، قرآن، انشاء، جغرافیا، هنر خوشنویسی، تاریخ و تعلیمات مدنی، فارسی و تعلیمات اجتماعی. این مواد طبیعتاً ارزیابی توانایی دانش آموزان را در ایران بسیار ساده به سطح توانایی های شخصی و مواد درسی محدود مورد اشاره معطوف می کند.
- بر عکس در سیستم فرانسوی^۲، ارزیابی بیشتر روانشناسانه بوده و بر اساس اهداف آموزش و پرورش تنظیم شده است. در سیستم آموزش و پرورش فرانسه مواد درسی برای آموزش و ارزیابی عبارتند از:
۱. مهارت های عمومی (فردی). (۱۳ مورد)
 ۲. مهارت های خواندن (کتابخوانی) شناخت تصاویر کتاب.

۳. مهارت های دستوری (خلاصه نویسی). (۲۰ مورد)
۴. ریاضیات (قدرت شناخت). (۲۱ مورد)
۵. شناخت جهان (علوم و تکنولوژی) شامل آموزش های شهری (مسئولیت پذیری در کلاس)، قابلیت یادگیری قواعد زندگی دسته جمعی. (۱۸ مورد)
۶. تربیت بدنی : تمرین حرکت. (۵ مورد)

سیستم آموزشی فرانسه افزون بر ۹۰ مورد دارد؛ در حالی که در ایران تنها ۱۱ مورد است. در آموزش فرانسه از فرهنگ اجتماعی، محل جغرافیایی و شیوه مقابله با مشکلات اجتماعی خاص آن مرز و بوم گفته می شود و بحث مهارت های زندگی اجتماعی در مقطع ابتدایی در آموزش های شهری داده می شود. اما در کشور ایران با وجود تنوع و گوناگونی مناطق از نظر فرهنگی سعی می شود سیستم های آموزشی یکسان و استاندارد باشد. البته هم اکنون با اختصاص امتیاز پذیرش دانشگاه ها برای داوطلبان بومی به این مهم برای جواب گویی نیازهای آموزشی هر منطقه پرداخته شده است. اما اینکه چقدر برنامه ریزی رشته ها متناسب با اقلیم ارزش های زیربنایی دانشجوی پذیرفته شده است جای بحث و بررسی دارد.

* کتاب، زیر بنای آموزش و تحقیقات است. کتاب های رشته روانشناسی در حیطه تالیف و تدوین را ملاحظه نمایید! تا چه اندازه آنها بر اساس تحقیقات بومی و فرهنگی قرار گرفته است؟ این بیان به منظور جدایی از تحقیقات جهان نخواهد بود، ولی رساله های فوق لیسانس، پایان نامه دکتری چه جایگاهی در تالیف، تدوین کتاب های رشته علوم انسانی دارد؟ آیا آنها محوریت و موضوع بندی شده اند؟ آیا تعدادی از آنها توانسته به یک موضوع یا محور خاص در جامعه پاسخ دهند؟

برای مثال دانلد اف. مورس با عنایت به فرهنگ بومی نژادهای مختلف آن جامعه آورده است که:

"هر نظام آموزشی باید در متن فرهنگی یک جامعه مورد بررسی قرار بگیرد. در یک جامعه پلورالیستی مثل جامعه امروز ایالات متحده آمریکا، نظام آموزشی هدف های ضمنی و صریح

۱. برای بررسی این مهم به مقاله اخوی راد در همایش مشکلات علوم انسانی دانشگاه شیراز مراجعه شود.
 ۲. ماخذ کارنامه آموزشی (Cahier Sclairc) کلاس دوم ابتدایی. st.Jean Basco در فرانسه سال ۲۰۰۲ می باشد.

* مقاله های پژوهشی زیربنای تولید دانش هستند؛ حتی اگر یک متغیر را پاسخ دهند. پیشینه مطالعاتی در مقاله، جایگاهی برای بررسی موضوع پژوهش پیش از اجرای بیان مسأله و سؤال پژوهش و متغیرهای پژوهش است. همواره در این پژوهش‌ها بررسی‌های محققان غیر از جامعه ما مطرح است. موضوع ده‌ها پایان نامه و رساله جایی برای طرح ندارند. پژوهش‌های دانشجویان علوم انسانی بخصوص در پژوهش‌های تجربی به فراموشی سپرده می شوند و دستاوردها و نتایج قابل توجه تجزیه و تحلیل آماری مطرح نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

آموزش عالی با برنامه ای مدون مدیریت علم را برعهده دارد. این مدیریت بحث تناسب علوم انسانی با نیازهای بومی را مد نظر دارد و تلاش می کند، دانش ضمنی با دانش صریح یکپارچه شود. در این فرآیند، تأکید بر بهره گیری مستمر شیوه های علمی و پژوهشی دارد. رشته‌های علوم انسانی از جمله حوزه های فراگیر دانش ضمنی هستند. در علوم انسانی تا زمانی که مباحث ارزش های زیربنایی لحاظ نشود، جامعه به توسعه علمی نخواهد رسید و قادر به تغییر و تحول فرهنگ و اخلاق نخواهد بود. بزرگترین چالش فرا روی دانش مدیریت مسأله فرهنگ است (Fuller, ۲۰۰۱).

رشته علوم انسانی در بعد مفاهیم و نظریه پردازی، به ارائه خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی در مقوله های آموزش و پژوهش و تربیت متخصصان این رشته می پردازد. اعضای هیئت علمی و دانشجویان این رشته آمار فراوانی بیشترین تعداد را در سال های گذشته داشته اند. آنها با برنامه ریزی سنجیده می توانند در تحول علمی و تغییر مطلوب گام بردارند. الگوی توسعه درون زا و پایدار به گسترش فرهنگ تحقیق، فن آوری و ابداع جریان خلاق تولید بومی و همچنین آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و متفکر برای پیشرفت و اعتلای جامعه نیازمند است. در این مسیر نقش آموزش عالی برجسته است؛ زیرا تأمین کننده نیاز و به طور طبیعی جواب گوی نیازهای جامعه خود خواهند بود و نوآوری فرهنگی را در بحث نظریه ها به همراه می آورد.

بسیاری دارد و غالباً نیز جدال ها و عدم توافق هایی در مورد اولویت های آموزشی وجود دارد. بسیاری از اوقات هدف ها در تعارض با یکدیگر قرار می گیرند؛ مثل هدف های همزمانی چون تعالی و برتری جویی با ارائه فرصت های مناسب به همه. اما این عقیده که همه کودکان باید سه فصل آموزش سنتی شامل خواندن، نوشتن و محاسبه کردن بلد باشند، در تمام جامعه حاکم است تا عملکرد مثبتی در جامعه داشته باشد و از پشتیبانی عمومی برخوردار شوند. علاوه بر اینها، آراء متفاوتی در باب آموزش مطالب دیگری چون نقش مذهب، آموزش اخلاق، آموزش مسائل جنسی، آموزش رانندگی و ورزش های مدرسه ای وجود دارد. نظام های آموزشی محصول فرهنگ های گوناگون هستند و به عنوان وسیله الهام و تزریق یک فرهنگ به کار می روند" (مورس، ۲۰۰۱).

در کتاب های دانشگاهی رشته علوم انسانی ما تعداد اندکی، مطابقت با فرهنگ بومی و ارزش های فرهنگی و اجتماعی رعایت کرده اند. این مهم را با بررسی و مطالعه چند کتاب دانشگاهی رشته روانشناسی ملاحظه کنید.

* در بحث کتاب‌های ترجمه نیز با این معضل مواجه هستیم. ترجمه کتاب‌های علوم انسانی برگردان فرهنگ بیگانه است. نظریه های مدون پیشین از ابتدا تا کنون در این کتاب ها مطرح است. پژوهش‌ها در راستای همان فرهنگ و همان نظریه آمده است. انتخاب کتاب برای ترجمه موضوعی متناسب با واحد درسی بوده و مطالب بدون عنایت به متغیرهای پیشین و مطرح جامعه برگردانده می‌شوند. کمتر کتابی دیده می‌شود که مترجم مطالب پانوشت، پانویس و حاشیه متناسب با ارزش های جامعه کنونی ما را داشته باشد. حتی پیوست و تطبیق با نظام واژگان دیده نمی‌شود. در ترجمه کتاب واژه ها و مثال ها مربوط به همان حوزه کتاب اصلی هستند. ترجمه کتاب‌های روانشناسی آداب و سنن فرهنگی آن جامعه در مثال‌ها و تحقیقات عیناً گنجانده و تبلیغ شده اند. آیا مطالب متناسب با جامعه آنها و نظریه های روان درمانی آنان برای ما مفید است؟ چقدر متخصصان این رشته بدون توجه به فرهنگ و ارزش های اخلاقی و باورهای دینی و مسایل بومی آن جامعه قادر خواهند بود نیازهای درمانجویان و مراجعان خود را برطرف نمایند؟

* بررسی شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر آموزش عالی

منابع:

- لشکری نژاد. (۱۳۸۶). چاپ اول، تهران: سمت.
- یونسکو، بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی، مترجم تیمور محمدی، سازمان برنامه و بودجه: ۲۲-۲۱.
- Fuller, S – (2001). “Knowledge Management Foundations, Butter worth- Heinemann – Boston. PP. 49 – 61.
- Gibbon, Michal.(1998). Higher Education Relevance, in the 21 Century, C.W.V.Chapter 2&3 PP. 10 - 55.
- Williams, Raymond. (1963). “Culture and Society Pelican Book P.P 65-71”.
- اخوی راد، بتول.(۱۳۸۵). تأثیر استقلال علمی دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی رشته‌های علوم انسانی، مجموعه مقالات همایش بررسی مشکلات علوم انسانی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه شیراز: ۳۵-۵۱.
- باقریان، فاطمه.(۱۳۸۳). منزلت اجتماعی اعضای هیئت علمی، نامه آموزش عالی، سال اول، شماره ۹: ۱۴-۱۰.
- حسین پور کاشانی، سعید.(۱۳۸۳). مطالعه تطبیقی برنامه‌های آموزشی ایران و فرانسه، نامه آموزش عالی، سال اول، شماره ۲: ۱۳-۱۰.
- دانالد اف. مورس.(۲۰۰۱). آموزش و پرورش ناشنوایان، بتول اخوی راد و فاطمه

